



Donald Barthelme

دونالد بارتلمن

# زن اسیر

ترجمه‌ی

مژده بلوری

## فهرست

٧	نقد ریدگی رورمه .
١٩	سکریت
٢٧	رگنار طلا
٤٣	چند لحظه حواب و بیداری
٥٥	آرواردها
٦٣	کودن
٧٣	من و حامی مددیل
٩١	شلی
٩٧	نه من می‌گویی؟
۱۱۱	رن اسیر
۱۲۷	شن مرد
۱۳۹	شهر کلیساها
۱۴۷	در موره‌ی تولستوی
۱۵۹	گفت‌وگوهای ناگوته
۱۶۳	رامسی‌ها

## نقد زندگی روزمره<sup>۱</sup>

وقتی شریه‌ی سیری دیپریویش<sup>۲</sup> را می‌حوالدم، واندا<sup>۳</sup>، همسر ساقم، محله‌ی ال<sup>۴</sup> را می‌حوالد ال سرای کسی که در داشتگاه در رشته‌ی ربان فرانسوی تحصیل کرده بود و حالا به حر مراقبت‌کردن از سچه و بیرون نگاه کردن از پیحره کار دیگری نداشت که نکند انگیزه‌ای برای طعیان بود واندا با محله احساس همدلی می‌کرد یک نار ال اعلام کرد که رسان ساردار استیک حام بمنی حورید<sup>۵</sup> و واندا متابعت کرد در طول کل دوره‌ی نارداری اش

---

سیگانگی به قلم آری لوفور، حامعه‌شناس و فلسفه‌دان و مارکسیست فرانسوی (۱۹۰۱-۹۱)، *Critique de la Vie Quotidienne* ۱ در سال ۱۹۴۷ منتشر شد - م

۲ *Journal of Sensory Deprivation*، سمعی «محرومیت حسی»، سمعی محرومیت از محرک‌های بروی معمول - م

### ۳ Wanda

۴، محله‌ی فرانسوی نا مطالعی درباره‌ی مدد، ریاضی، تدریسی و سرگرمی در رمانی که این داسان بوشه سد این محله هبور به ربان انگلیسی منتشر نمی‌شد - م

### ۵ Femmes enceintes ne mangez pas de bifteck cru

ار این فکر نادرست امیدوار و دلگرم شده‌ای، دست آراد حود را (دستی که آن نه گیلاس بوشیدنی را محکم بچسیده است) درار می‌کنی و موی بچه را بوارش می‌کنی و بچه سرش را بلند می‌کند و توی صورت نگاه می‌کند و به عمارتی حلق و حویت را اریایی می‌کند و می‌گوید «می‌شه واسم یه اس بگیری؟» که به رعム همه چیر ار برخی حهات تقاصای کاملاً معقولی است، اما ار حهات دیگر آن حالت تعادل ساعت شش را که نا آن همه رحمت به آن رسیده بودی به طور کامل نابود می‌کند، چون الته این، یعنی تقاصای بچه، به هیچ وحه ممکن نیست و از همین رو تمام قدرتی که داری می‌گویی «اه!» بیشتر پارس کردی است که کمی شیه گارگرفتن می‌نماید. چنان که به این برامه، یعنی داشتن اس، یک بار برای همیشه، تا اند، حاتمه بدهی اما حودت را حای بچه می‌گداری نا آن کفشهای پاره پوره اش، که حالا که ار بردیک به آنها نگاه می‌کنی می‌بیسی بیشتر شیه سیم طرف شوبی بریلو<sup>۱</sup> استفاده شده‌اند تا کفش، و رمانی را در گدشته‌ی دور پیش ار حنگ حهانی اول به حاطر می‌آوری که حود تو هم حواهان اسی بودی و ار این رو بر حود مسلط می‌شوی و گیلاس دیگری را در دهان حود حالی می‌کنی (گمان می‌کنم نا این می‌شود سه تا)، قیافه‌ی متفکری به حود می‌گیری (در واقع، همان طاهر حدی و متفکری که تمام رور برای گیج کردن دشمنات و محافظت کردن ار حودت در مقابل بی‌اعتنایی دوستات بر چهره داشته‌ای) و دهان بار می‌کنی و نا ملایمت و ملاطفت و حتا حیله گرانه نا بچه صحت می‌کنی و توصیح می‌دهی که حس اس فصای بار و برگی را، یعنی حایی که نتواند گردش کند و بچرد و نا اس‌های دلربای دیگر حفت‌گیری کند، به فصای سته‌ی آپارتمان ویرانی نا سگ قهوه‌ای ریگ ترجیح می‌دهد و می‌گویی اگر اسی نگیریم این حا در آپارتمان مان حوشحال بحوالد سود و ار او، یعنی بچه،

حتا درهای استیک حام<sup>۲</sup> توی دهاش بگداشت او همان طورکه إل توصیه کرده بود un petit air naif یا ظاهر دفتر مدرسه‌ای ها به حودش داد همیشه عکس‌های چهار رنگ آسیاب مرمت شده‌ی ریایی را در بریتی<sup>۳</sup> هم شان می‌داد که نا لوارم مرسل آریه یا کوسن<sup>۴</sup> و اشیای پلاستیکی قرمرو و ساربی روشن ار میلان<sup>۵</sup> بوبوار شده بود حانه‌ای که طبیعت را محسم می‌کند<sup>۶</sup>. طی این مدت إل چیری در حدود چهار هزار مقاله‌ی حسی<sup>۷</sup> متفاوت درباره‌ی آنا کاریبا<sup>۸</sup>، ستاره‌ی سیمما، منتشر کرد و واندا واقعاً تا حدودی به او شاهت پیدا کرد.

عروپ‌های مان فاقد امید بود دیبا در عرب، اگر مرد متاهلی باشی، به نظر آکده ار فقدان امید می‌آید هیچ کاری نیست نکی حر این که به حانه بروی و نه گیلاس بوشیدنی ات را بحوری و همه چیر را فراموش کی روی صندلی مورد علاقه‌ات ولو شده‌ای و نه گیلاس بوشیدنی ات روی میر کیار مل در آرایشی سریار مانید به صفت شده‌اند و دستت هرگر ار آنها دور نمی‌شود و دست دیگرت شکم قلسه‌ی سچه‌ی تا حر حرمه حورده را می‌چسد و شاید کمی تکاشه بدهی، اگر صندلی بچه سویی ناشد، چنان که مال بچه‌ی من در آن رورها سویی بود، بعد راستش چه سا آن پیچک کوچک تحقیر. به این را قلم می‌گیرم، مسطورم محتوا بود. آن پیچک کوچک محتوا ار محربی که همه‌ی محتوا دیبا بگهداری می‌شود پیچ بحورد و بالا برود و به معبرم شده‌ی تو بر سد و کترل آن حا رایه دست نگیرد و تو را متقاعد کند که این بالاخره ثمره‌ی همه‌ی کارهای توست، کارهایی که درباره‌شان فکر می‌کردی و ار حود می‌پرسیدی «ثمره‌ی کارهایم کو؟» و ار این رو، تو که تاره

1 bifeet cru

2 Brittany

Arne Jacobsen<sup>۹</sup>

4 Milan

5 Une Maison Qui Capte la Nature

6 actualite

7 Anna Karma